

اساطیر و افسانه‌های خورشید و ماه در تمدن‌های کهن با رویکرد تطبیقی به نمادها و مفاهیم مرتبط با آن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵

سارا سعیدی^۱

کارشناسی ارشد، پژوهش هنر، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

فریناز فربود^۲

استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

چکیده

اسطوره و نماد از بدو پیدایش تمدن‌ها دارای خاستگاهی مشترک بوده‌اند و انسان نخستین، رابطه خویش با جهان را به وسیله اسطوره و نمادپردازی بیان کرده است. از این رو تفکر پیرامون اساطیر و ماهیت نمادین آن، یکی از مهم‌ترین پرسش‌های بشر است که از دوران کهن تا عصر حاضر مورد توجه بوده است. اسطوره و جوانب آن نه تنها پشتوانه و میراث فرهنگی و تاریخی هر تمدن به‌شمار می‌رود، بلکه در طی سالیان طولانی پاسخگوی پیچیده‌ترین سوالات بشر بوده است. پژوهشگران و تاریخ‌نگاران ابتدا اسطوره را مانند افسانه‌های دروغین و جعلی می‌پنداشتند و اهمیتی برای آن قائل نبودند، اما از سده نوزدهم میلادی، اسطوره نوعی ادبیات داستانی به‌شمار می‌آمد. درک ساختار هستی، به‌ویژه نمایان‌ترین عناصر فرازمینی آن - خورشید و ماه - مبدأ اساطیر و افسانه‌های بسیار بوده است؛ از این رو اسطوره آفرینش و جایگاه خورشید و ماه در میان تمدن‌ها امری محوری و برجسته به‌شمار می‌رود. هر تمدن در قالب آثار تجسمی، نگرش خود به این عناصر و مفاهیم را صورت نمادین بخشیده است. مسأله اصلی این تحقیق پاسخ دادن به سوالاتی از این قبیل است: نقش و ماهیت خورشید و ماه در اساطیر و باورهای آیینی تمدن‌های کهن به چه صورت بوده است؟ نشانه‌های تصویری هر تمدن برای بازنمایی‌های نمادین این دو عنصر فرازمینی به چه شکل است؟ مطالعه تطبیقی وجوه اشتراک و افتراق اساطیر و نمادهای تمدن‌ها هدف اصلی این پژوهش است. روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی است و این پژوهش به‌صورت مطالعه موردی بر پایه اسناد کتابخانه‌ای به واکاوی مسأله فوق پرداخته است. نتیجه پژوهش ادعان دارد که بسیاری از اساطیر و آیین‌ها مدلول مواردی مانند پدیده‌های کیهانی، الهه‌ها و خدایان ماه و خورشید و... است. نشانه‌های متعددی مانند سواستیکا و گل نیلوفر یا لوتوس، گردونه مهر و... در تمام تمدن‌ها نشانه‌هایی مشترک بوده است؛ همچنین وجود مضامین و نمادهای مشترک میان تمدن‌های کهن بیانگر پیوندی تنگاتنگ میان هنر و باورهای آن‌هاست.

واژگان کلیدی: نماد، اسطوره، افسانه، خورشید، ماه، تمدن.

^۱Email:Sarasaeedi۶۶۸۴@gmail.com

^۲Email:Farinaz.Farbod@gmail.com

آغاز شد که انسان از معیشت مبتنی بر شکار به کشاورزی روی آورده و به جهان پیرامون و نیایش عناصر اعجاب‌انگیز و مورد نیاز خویش توجه کرده است. از آنجا که نشانه‌گذاری‌های زمانی در ابتدا با عناصر طبیعت رابطه نزدیکی داشتند، مهم‌ترین و محسوس‌ترین تغییرات طبیعی برای ذهنیت انسان در حالات خورشید و ماه قابل درک بود. ماه و خورشید نه تنها در بسیاری از ادیان و آیین‌ها مقدس بودند، بلکه رابطه‌ای نمادین و اسطوره‌ای با عوامل حیاتی زندگی انسان داشتند و این دو عنصر طبیعی از آغاز به گروه وسیعی از بازنمایی‌های نمادین شکل دادند. توجه به طبیعت و عناصر آن مانند آسمان، ماه، خورشید، ستارگان و... از دیرباز با حیات انسان‌ها عجین بوده است و انسان برای بهره‌وری از آن‌ها به تقدیس و تکریم آن پرداخته است و ایزدانی در قالب‌های انسانی و حیوانی و گاهی نیز به صورت نشانه‌ها و نمادهای گیاهی و طبیعی ظاهر شده‌اند. ایزدان خورشید و ماه در ایران، هند، چین، ژاپن، بین‌النهرین، یونان و روم باستان و اقوام بدوی آمریکا و آفریقا مورد ستایش بوده‌اند و تاکنون نیایشگاه‌های متعددی از خورشید و ماه در جهان بر جای مانده است و هر تمدن بر اساس فرهنگ و رسوم بومی خود تقدیس و تکریم خدای خورشید و ایزدبانوی ماه را به جای آورده است. پژوهش حاضر با استناد بر منابع کتابخانه‌ای در بخش نخست به بیان اساطیر و افسانه‌های خورشید و ماه در تمدن‌های کهن مانند ایران باستان، هند، مصر، چین، ژاپن، یونان و روم باستان و... می‌پردازد و در بحث اصلی به معرفی نمادها و مفاهیم مرتبط با خورشید و ماه و مطالعه تطبیقی نمادهای هندسی، گیاهی، جانوری و طبیعی خورشید و ماه در تمدن‌ها، وجوه افتراق و اشتراک اساطیر و نمادها در تمدن‌های کهن مسأله اصلی این پژوهش است. با وجود اینکه برخی از اسطوره‌های ایران باستان، هند و حتی یونان و روم خاستگاه جداگانه‌ای دارند، هدف از پژوهش حاضر این است که روند اسطوره‌پردازی میان تمدن‌های مختلف را یکسان و نزدیک‌به‌هم بیان کند.

پیشینه تحقیق

در زمینه اسطوره‌های آفرینش و نمادشناسی ماه و خورشید پژوهش‌های متعددی انجام شده است. علاوه بر کتاب‌هایی که در مورد اسطوره منتشر شده و به مقوله آفرینش پرداخته است، می‌توان به مجموعه مقالات محمدحسین باجلان‌فرخی (۱۳۸۵) اشاره کرد که به نقل اسطوره‌ها پرداخته و به صورت کتاب نیز منتشر شده است. مقاله‌ای با عنوان «ایزدان خورشید در باور مردم جهان» به قلم شهره جوادی و مقاله دیگری تحت عنوان «بررسی تطبیقی آسمان، خورشید و ماه در اساطیر و نقش ایزدگونه آن‌ها در شاهنامه» نیز نمونه‌هایی از این قبیل می‌باشند. اما به صورت تطبیقی در مورد نمادهای خورشید و ماه، اساطیر و

مقدمه

آگوستین قدیس در پاسخ به این پرسش که اسطوره چیست، گفته است: «خیلی ساده است، به شرط آنکه از من نپرسند! هرگاه خواستم درباره اسطوره توضیح دهم، عاجز ماندم.» (اسماعیل پور، ۱۳۸۸، ۱۳). جلال ستاری (۱۳۹۵، ۸۱) معتقد است: «اسطوره چندین معنی در بر دارد و همین چندمعنایی، این اندیشه را به ذهن القا می‌کند که برای اسطوره جایی در نظر بگیریم به دور از تجاربی که در زندگانی داشته‌ایم، جایی که بیانگر دورانی است از یاد رفته و یا فرهنگی ناآشنا و غریب.» اعراب پس از غلبه بر روم شرقی، کلمه ایتالیایی ایستوربار^۱ به معنی تاریخ یا افسانه تاریخی را تعریف کردند و روایت‌های افسانه‌ای تاریخی‌گونه را اسطوره خواندند (همیلتون، ۱۳۸۳، ۱۱). دکتر مهرداد بهار (۱۳۸۶، ۱۹۹) بیان می‌کند که «آنچه امروزه فرهنگ می‌نامیم در جهان باستان برابر با اسطوره و آیین بوده است. اسطوره و آیین در جوامع ابتدایی عبارت است از فرهنگ آن جامعه، چون هیچ امر فکری و رفتاری وجود نداشته که از درون این مجموعه خارج باشد. تمام عمل، زندگی و اندیشه انسان در اسطوره و آیین جای گرفته است.» جان هینلز (۱۳۸۶، ۹) نیز اسطوره را آیین‌هایی می‌داند که تصویرهایی را از ورای هزاره‌ها منعکس می‌کند. به گفته وی «آنجا که تاریخ و باستان‌شناسی خاموش می‌ماند، اسطوره‌ها به سخن درمی‌آیند و علاوه بر اینکه فرهنگ بشر را از دور دست‌ها به زمان حال می‌آورند، افکار بلند و منطق گسترده مردمان ناشناخته ولی اندیشمند را در دسترس ما می‌گذارند.» پژوهشگران عامل شکل‌گیری اساطیر را سمبل‌هایی می‌دانند که در نظر تمدن‌های باستانی، پر رمز و راز بوده‌اند و نمادها را تجلی حقایق و ارزش‌های انسانی جوامع بشری می‌دانند. از آنجا که اسطوره‌ها انگیزه‌ای برای پیدایش سمبل می‌باشند، دو مقوله نماد و اسطوره در کنار هم معنی پیدا می‌کنند و بسیاری از علائم و نشانه‌هایی که در قالب سمبل نمود یافته‌اند، منجر به پیوندی درونی میان تمدن‌ها شده‌اند. مطابقت سمبل‌ها و اساطیر، بیانگر تأثیرپذیری آداب و رسوم و افکار مذهبی و اجتماعی تمدن‌ها از یکدیگر است. سمبل‌ها در بیانی ساده، نمادی از چرخه خلقت، زندگی، مرگ و مسائل مهم زندگی انسان‌ها در قالبی موزون و روان بوده‌اند. اسطوره نیز جلوه‌گاه هنر و اندیشه هر قوم و تمدن و ماندگارترین پدیده‌ای است که با دو روی آشکار و پنهان، روشن‌ترین و نهفته‌ترین تعالیم را در خود جای داده است؛ از این رو مطالعه تطبیقی اساطیر و نمادها می‌تواند اطلاعات و فهم دقیق‌تری از این موضوع به دست بدهد. محققان بر این باورند که اسطوره‌های خورشید و ماه از زمانی

^۱. Estoriare

افسانه‌های مربوط به آن‌ها در تمدن‌های کهن شرق و غرب پژوهشی انجام نشده است.

اساطیر و افسانه‌های خورشید و ماه و معرفی خدایان آن‌ها در تمدن‌های کهن

- تمدن بین‌النهرین

سین آخدای ماه در بین‌النهرین پیرمردی با ریش بلند است که شب‌ها با نور خود بدکاران را نشان می‌دهد و بعدها به‌دستور مردوک^۳، زمان را اندازه می‌گیرد. ماه در بین‌النهرین فرزانه بزرگی‌ست که خدایان پایان هر ماه به مشورت با او می‌نشینند. زن او نینگوال^۴ نام دارد. شمش^۵ خدای خورشید در اساطیر ایران در هیأت داوری و عدالت نمایان می‌شود و پرتوهای درخشانش مانند تور بزرگی‌ست که بدکاران را به دام می‌اندازد. زن شمش در اساطیر بابل و آشور آیا نام دارد. خدای خورشید در میان تمدن‌های سومر، بابل و آشور خدایی است که خاستگاهش کوهستان شرق است. هر بامداد مردان پاسدار شمش دروازه کاخ خورشید را می‌گشایند و خورشید زرین‌موی بر درگاه می‌ایستد و با آره^۶ درخشان خود که کلید کوهسار شرق است، بر اربه خود می‌نشیند و آسمان و زمین را غرق در نور می‌کند و غروب اربه‌اش در کوهستان غربی ناپدید می‌شود و به ژرفای زمین می‌رود و تمام شب را در زیر زمین در راه است و بامداد از دروازه شرق دیگر بار طلوع می‌کند (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۱۴-۱۱۳).

در اساطیر سومر حضور ماه و خورشید باهم گذشت فصول را تداعی می‌کند. در تمدن بین‌النهرین ماه نماد زمستان است و خورشید تابستان را تداعی می‌کند و در بسیاری از رقابت‌های میان خورشید و ماه، تقریباً همیشه ماه است که پیروز می‌شود. (صمدی، ۱۳۸۳، ۲۶-۲۵).

- ایران باستان

در اساطیر ایران باستان پس از رواج آیین زرتشت و تحولات زندگی انسان، خورشید و ماه با نقش‌های مختلف پدیدار شدند. خدای خورشید در ایران باستان یکی از معروف‌ترین ایزدان زرتشتی به نام «میترا» است (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۰۸). واژه اوستایی میژه به معنی پیمان، قرارداد و قول و قرار است. در یشت

دهم یا همان مهر یشت، میترا ناظر بر انسان، اعمال، توافق‌ها و قراردادهای اوست. او انسان‌ها را به راه راست هدایت می‌کند و از حمله نیز در امان نگاه می‌دارد و در مقام ایزد کنترل‌کننده نظم کیهان (شب و روز و تغییر فصول) با خورشید و آتش پیوند دارد (اوستا، یشت ۱۰، ۱۳). خورشید در اوستا هورخشثته^۷ نامیده می‌شود. این واژه از دو بخش تشکیل شده است، یکی هور به معنی آفتاب و دیگری خثت که به معنی درخشنده است. گزنفون^۸ از حضور گردونه خورشید در جشن‌های باستانی همچون نوروز، مهرگان و جشن چهارشنبه‌سوری سخن می‌گوید (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۱۳ - ۱۰۸).

گریشمن (۱۳۷۰، ۳۵۴) خورشید در ایران باستان را مظهر عمر جاویدان، شکوه و جلال سلطنت می‌داند. به گونه‌ای که تاج پادشاهان همواره دارای کنگره، شعاع نور یا بال بوده است. در ایران باستان خورشید توسط اهورامزدا آفریده می‌شود و زن و فرزندی هم ندارد. پرستش ماه در ایران باستان به صورت نماد ایزدبانو «آناهیتا» جلوه‌گر شده است که نماد آب‌های پاک، فراوانی، باروری، برکت، عشق، زناشویی، زایش و پیروزی است. داستان خلقت مشیه و مشیانه به صورت دو بوتۀ ریواس از نطفۀ کیومرث که در خورشید تصفیه و بر زمین پاشیده شده بود، نشان‌دهنده اهمیت خورشید و پیوند انسان با آن است (صمدی، ۱۳۸۳، ۹۳). دکتر دادور (۱۳۸۵، ۵۵-۵۶) نقش ماه در اساطیر کهن را بسیار مهم می‌داند. زیرا در شب تار در برابر دیو ظلمت، ماه یگانه مشعل ایزدی است که پرده ظلمت را دریده و عفریت سیاهی را رسوا می‌سازد. اساطیر کهن، ماه را حافظ نطفۀ ستوران و جانوران و نماد باروری می‌پندارد. از آنجا که رابطه زن با باروری از ابتدای تفکر بشر وجود داشته است رابطه زن با ماه نیز از همین موضوع نشأت می‌گیرد و ماه نماد حیات، رشد گیاهان، جانوران و باکرگی می‌گردد (اسماعیل پور، ۱۳۸۸، ۲۰).

در اساطیر ایران باستان خسوف و کسوف حکایت از نبرد خدایان اساطیری ماه و خورشید دارد. در بسیاری از مناطق روستایی و شهری ایران، خورشید و ماه گاه زن و مرد هستند، گاه خواهر و برادر و گاه نیز دلدادۀ یکدیگر. در افسانه‌های گیلان و مازندران خورشید زن است و ماه مرد و لکه‌های موجود در چهره ماه اثر دست خورشید است. بنا بر افسانه‌ای دیگر، در آغاز، درخشندگی ماه بیشتر از خورشید بوده است و خورشید از روی حسادت دست

^۴ Ningwal

^۵ Shamash

^۶ Cyaxares

^۷ گزنفون (به یونانی) Ξενοφών : گزنفون)

(به انگلیسی Xenophon : زنفون یا زنفان)، فیلسوف، مورخ، و سرباز یونانی است که در سال ۴۳۰ قبل از میلاد در آتن به دنیا آمد. دوران زندگی او حدوداً بین سالهای ۴۳۰ تا ۳۵۴ پیش از میلاد بوده است.

^۳ Sin

Mardduk : فرزند و انکی و آ و خدای بزرگ بابل به‌شمار می‌رود. پس از جایگزین شدن نظام پدربسالاری به‌جای مادرسالاری (نیمۀ دوم هزاره دوم ق.م) جانشین انکی خدای خردمند شد که در دوره سومری‌ها خدای زراعت بود، ولی در زمان به قدرت رسیدن شهر بابل، مردوک به مقام خدای آسمان‌ها ارتقا پیدا کرد. او حامی شهر بابل بود و قهرمان منظومۀ آفرینش بابلی بود.

مصری، هاروئیس ایزد آسمان است که دو چشمش را خورشید و ماه می‌دانند. هارماخیس نیز ایزد و نمونه شخصیت یافته خورشید در حال طلوع و نماد رستاخیز است (ویو، ۱۳۸۴، ۴۸-۴۷). ماه در آخرین اسطوره‌ها پسر رع است و در جای دیگر پسر نوت (یعنی آسمان) و گب (یعنی زمین) است که ۳۲۳۶ سال بر زمین فرمان راند و بعد به آسمان و قلمروی رع رفت (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۱۵). توت در اساطیر مصری، ایزد ماه و مظهر و پشتیبان دانش، ادبیات، اختراعات و سخن‌گوی ایزدان و نگهبان آثار ایشان است (ویو، ۱۳۸۴، ۵۷-۵۶). مصریان باستان هنگام خورشید گرفتگی بر این باور بودند که اپیپ^۱ زورق رع را بلعیده است (ایونس، ۱۳۷۵، ۶۰). بنا بر افسانه‌ها و روایات مصری، رع ماه را برای تحوت آفرید یا به تحوت اجازه داد ماه را بیافریند تا جانشین رع در آسمان شب باشد. در روایتی دیگر تحوت یکی از چشمان شاهین و جانشین عا خدای کهن ماه است. در باور مصریان، فراعنه مرده در طول روز با رع یگانه می‌شوند و شب‌ها جذب تحوت و ماه می‌شود. مصریان ماه را دونده آسمان می‌پنداشتند و بدین دلیل نام ماه را «پیماینده» تفسیر می‌کردند (ایونس، ۱۳۷۵، ۱۵۷). همچنین آن‌ها بر این باور بودند که خدای خورشید همه‌روزه سوار بر قایق میلیون‌ها ساله خود، در امتداد گنبد افلاک از افق شرقی به افق غربی می‌رود (هارت، ۱۳۷۴، ۵۵).

هند

در تمام اساطیر و متون کهن هند، خدایان، انسان‌ها، نیمه‌خدایان، خدایان جهان زیرین و ارواح توصیف شده‌اند. خدای خورشید در هند با نام سوریا شناخته می‌شود و یکی از مهم‌ترین خدایان ودایی است. این خدا از یک سو تجلی عظمت الهی و از سوی دیگر منبع و منشأ نور، گرما، حیات و معرفت است و در معابدی که به معابد خورشید شهرت دارند عبادت و پرستش می‌شود. خدای خورشید در هند گیسوان و ریش طلایی دارد. تمام وجود او حتی نوک ناخن‌هایش مشعشع و تابان است و چشمانی قهوه‌ای رنگ دارد. در هند باستان حیات و بقای انسان بدوی به حضور خورشید متکی بوده است. در آئین هندو سه خورشید-خدای ودائی یعنی سوریا، سوینزی و پرسوت تبدیل به یک خدا و جذب سوریا می‌شوند. سوریا در آئین هندو، خیرخواه انسان و نماد او صلیب شکسته‌ای است که بخشندگی او را نشان می‌دهد. (ذکرگو، ۱۳۷۷، ۶۴-۶۰).

گل‌آلود خود را در وقت کار به صورت ماه می‌کشد و از آن زمان تا به امروز نور ماه کمتر از خورشید می‌شود. در افسانه‌ای مربوط به لرستان نیز آمده است که خورشید و ماه دلدادۀ یکدیگر بودند و هیچ‌گاه مگر در روز رستاخیز به هم نخواهند رسید که اگر هم چنین شود، آن زمان دنیا به آخر خواهد رسید. نزد روستائیان مازندران، سیزده روز اول میان ابر و خورشید نبردی درمی‌گیرد که اگر خورشید پیروز شود، آن سال خشکسالی می‌شود و اگر ابر پیروز شود آن سال بارانی خواهد بود. نزد مردم گیلان و مازندران خورشید از دریا برمی‌خیزد و در دریا غروب می‌کند و نزد برخی از گروه‌های ترکمن نیز خورشید از ظلمات برمی‌خیزد و به ظلمات برمی‌گردد. همچنین در قشم علت گرمی خورشید نفرین مادر خورشید به سبب نافرمانی فرزند اوست. می‌توان گفت در بسیاری از مناطق ایران خورشید و ماه از دریا، چاه یا کوه برمی‌آیند و در دریا، چاه یا کوه نیز غروب می‌کنند و سوگند به خورشید و ماه هنوز در مناطق روستایی و شهری ایران دیده می‌شود. البته این باورها متعلق به زمان‌های دور است (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۱۳-۱۰۸).

مصر باستان

مصریان باستان همانند همه انسان‌های روزگاران دیرین، پیدایش هر چیزی را به دخالت یک خدا نسبت می‌دادند و برای آنان چیزی وجود نداشت که ریشه در نیروهای فراطبیعی نداشته باشد. در اساطیر مصر، انسان‌ها و جانوران از گل‌ولای رود نیل که در اثر پرتوهای خورشید خشک شده بود سر برآورده‌اند. در تاریخ این تمدن مهم‌ترین خدایان به گونه‌ای اساطیری با خورشید، نیروهای آفرینش و حاصل‌خیزی پیوند داشتند. کیش کهن اوزیریس نیز با گذشت زمان از کیش مرده به کیش باروری و حاصل‌خیزی تبدیل شد. گرچه این زندگی همانا زندگی بعد از مرگ بود، اما اوزیریس با گذشت زمان با خورشید پیوند یافت (ایونس، ۱۳۷۵، ۲۲). خورشید مهم‌ترین خدای مصریان هر بامداد از ماده گاوی در آسمان زاده می‌شد و شبانگاه بانوی آسمان او را می‌بلعید تا بامداد دیگر باز او را بزاید. در مصر، رع خدای خورشید پیش از پیدایش در اقیانوس، نو یا نون و اتوم نام دارد؛ سپس اتوم به رع بدل می‌شود و جهان را شکل می‌دهد.

اسطوره خورشید - خدای رع کامل‌ترین اسطوره خورشید در مصر و اسطوره‌ای ترکیبی است که با طی مراحل مختلفی به یگانگی می‌رسد. خورشید و آمونفیس چهارم همچون مبدأ یگانه جهان هستند و سرود آخناتون در ستایش خورشید یکی از زیباترین سرودها در مصر است (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۱۵). در اساطیر

و بدین‌منظور در هنگام شب در عالم زیر زمین (با آسمان) گردش می‌کرد.

Apep (Apophis) آپ یا آپوفیس هیولایی شیطانی در اساطیر مصر باستان است که در تاریکی مطلق زندگی می‌کرد. آپوفیس تجسم شخصیت هاویه، شیطان و تاریکی است و در مقابل ایزد روشنایی رع قرار می‌گیرد. این ایزد مار شکل تهدید به نابودی ایزد خورشید رع کرده

شون^{۱۰} است. چانگ‌ای^{۱۱} در اساطیر چین، ایزدبانوی ماه، دختر ایزد آب‌ها و همسر ایزد تیرانداز آسمان (بی) است. در زبان چینی چانگ به معنی زن است. به باور مردم چین، در آفرینش ده خورشید وجود دارد که هر یک به نوبت در آسمان نمایان می‌شود و هر روز یکی از خورشیدها از درهٔ روشنایی برمی‌خیزد و هنگام زوال هر دودمان، گاه به جای یک خورشید چندین خورشید نمایان می‌شود. ماه نیز در اسطوره‌های چینی نه یک ماه که دوازده ماه است و هر یک به نوبت در هر ماه از سال در آسمان نمایان می‌شود (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۱۶). در تمدن چین هنگام آغاز سال نو برای خورشید قربانی می‌کردند و یکی از این قربانی‌ها مختص روز تولد خورشید بود. برای ماه نیز قربانی‌هایی در جشن ماه انجام می‌دادند. جشن ماه هنوز هم در چین یکی از جشن‌های بزرگ سه‌گانه است که در پانزدهمین روز و شب هشتمین ماه سال به وقت بدر برپا می‌شود (بیرل، ۱۳۸۴، ۶۶ و ۶۵). چینیان معتقدند که خرگوش صحرایی در ماه به وسیلهٔ هاون، اکسیر بی‌مرگی را می‌سازد. به همین دلیل در جشن ماه اشکالی شبیه خرگوش‌های سفید می‌سازند.

ژاپن

ژاپن تمدنی با فرهنگ و آیین‌های درخشان و اسرارآمیز است. اصطلاح «ژمپن» در زبان چینی به معنی «خاستگاه خورشید» است و چینیان سرزمین‌های شرق را این‌گونه می‌نامیدند (پیگوت، ۱۳۷۴، ۵۰).

در اساطیر ژاپن آماتراسو^{۱۲} ایزد خورشید و مهم‌ترین ایزد در آیین شینتو^{۱۳} و نخستین فرزند از سه فرزند ایزانگی است. ایزانگی و ایزانامی که معادل مشیه و مشیانه ایران هستند، بی‌شک گیاه‌زاده‌اند. زیرا نخستین ایزدانی که با پیدایش زمین پدیدار شدند، از نی و به صورت پیکر نی زاده شدند (کوجیکی، ۱۳۸۰، ۴۳). این اسطوره از جهتی بیانگر چرخهٔ بستن تاریکی و گشودن روشنایی است و از سوی دیگر در زمرهٔ اسطوره‌های باروری است. به همین دلیل خورشید در ژاپن نماد باروری و شاهنشاهی است. همچنین در باور مردم ژاپن خورشید و ماه برادر و خواهر و ساکن سرزمینی آسمانی و دیاری اسرارآمیز هستند که همانند ژاپن است. در این اسطوره‌ها خورشید و ماه یکی پس از دیگری در آسمان نمایان می‌شوند و پدیدآورندهٔ شب و روزند. ژاپنی‌ها ماه را زیبا می‌دانند و بسیاری از ژاپنی‌ها تماشای ماه را دوست دارند و گاه ضیافت تماشای ماه برپا می‌کنند. آن‌ها با توجه به افسانهٔ تولد نی‌چیرن، فرورفتن خورشید درخشان در

در اساطیر هند خدای ماه، چندره^۹ مظهر حاصل‌خیزی بود و بعدها با گسترش کشاورزی تحت‌الشعاع سومه قرار گرفت. در آثار ودایی هند آمده است که رویش گیاهان، بالندگی مردم، نعمت و برکت و فزونی آب، به ماه بستگی دارد و تخمهٔ گیاهان و رویش در ماه است. ماه کامل در اساطیر هند نخستین موجود قابل پرستش بوده است و کسانی که ماه را می‌پرستیدند بهشتی به‌شمار می‌آمدند. دربارهٔ ماه نو و هلال ماه در وداها سرودهایی وجود دارد که همگی در وصف زیبایی‌های ماه است. در این سرودها ماه را کامل و شایستهٔ نگهداری می‌دانستند (دادور، ۱۳۸۵، ۱۸۰-۱۷۹). در باورها و اساطیر هندی، بدر و محاق ماه ناشی از رفتار ماه با همسران اوست، زیرا ماه هفت زن دارد و از آن میان تنها به یکی توجه می‌کند. هلول ماه نیز ناشی از نیاز ساکنان گوناگون آسمان به نوشیدن شهدی است که خورشید به درون ماه می‌ریزد. هنگامی که ذخیرهٔ شهد کاهش می‌یابد، ماه به تدریج رنگ می‌بازد و هلالی می‌شود و هنگامی که بار دیگر به وسیلهٔ خورشید پر می‌شود می‌درخشد. ال - پیکولا (۱۳۸۵، ۴۱) بیان می‌کند که «در بعضی روایت‌های اساطیری هند جزئیاتی از منشأ خسوف توصیف شده است. به موجب این روایت، هنگامی که ویشنو ظرف حاوی اکسیر جاودانگی را از دست ضدّ خدایان می‌رباید، یکی از آن‌ها به نام رهو وانمود می‌کند که یکی از خدایان است و به آن‌ها می‌پیوندد. درست در لحظه‌ای که شروع به نوشیدن اکسیر می‌کند خورشید و ماه او را فاش می‌کنند و به دست ویشنو گردن زده می‌شود؛ اما سر او نامیرا می‌شود و از آن پس خورشید و ماه را دنبال می‌کند و به صورت ادواری آن‌ها را می‌بلعد و باعث خسوف می‌شود».

بر اساس اخترشناسی هندو هفت پرتوی اصلی خورشید مهم‌ترین پرتوها در میان هزار پرتو خورشید هستند. این هفت پرتو همگی با یک نام مشخص شده‌اند که گرما و نور لازم برای ماه، ستارگان و سیارات را تأمین می‌کنند (همان، ۷۰). در اسطوره‌های هند خورشید و ماه، زن و مرد و دل‌داده یکدیگرند. بنا بر افسانهٔ دیگری در هند، ماه دارای هفت زن است و در این میان تنها به یکی از آن‌ها توجه می‌کند (همان، ۲۷۲).

چین

تمدن چین دربردارندهٔ اسطوره‌هایی با روایت‌های مقدس است که چگونگی آفرینش جهان را به ما نشان می‌دهد. در اساطیر چینی، کان نماد آب و خدای ماه و لی نماد آتش و خدای خورشید است. در یکی از اسطوره‌های چینی نیز خورشید پسر

^۹ Chandra

^{۱۰} Shun یا شون از جمله رهبران در فاصلهٔ قرن‌های ۲۳ تا ۲۲ قبل-ازمیلاد بود که جزو سه شهیار و پنج امپراتور به‌شمار می‌آمد. مدت نیم‌قرن حاکمیت او یکی از طولانی‌ترین دوران‌های فرمانروایی در تاریخ چین محسوب می‌شود.

^{۱۱} Chang-e

^{۱۲} Amaterasu

^{۱۳} Shinto : آیین شینتو یا همان راه خدایان، آیین باستانی ژاپن است. این آیین ایزدبانوی خورشید را نگهبان سرزمین اجدادی می‌داند و خاندان امپراطوری را از نسل این خدا و تجسم وی می‌شمارد.

محتمل است که مهرپرستی رومی اسطوره‌های انتزاعی بیشتری از آنچه ما از این نقش‌ها درمی‌یابیم داشته است (هینلز، ۱۳۸۶، ۱۲۴ و ۱۲۵).

تمدن سلت

اساطیر تمدن سلت به دو دلیل جالب توجه است؛ اول آنکه خورشید با یک الهه تداعی می‌شود و این امر با اغلب کیش خورشیدی که غالباً خدایان مذکر آن را برعهده دارند، در تقابل قرار می‌گیرد. دومین نکته مهم آنکه سرمنشأ رابطه میان خورشید و باروری دیدگاهی ایرلندی است. خدای ایرلندی لوگ به معنی «درخشنده» با نور درخشان پیوند دارد. باروری در فرهنگ سلت نیز همچون دیگر تمدن‌ها یکی از کارکردهای مهم خورشید است. آپولون سلتی خدای نور و شفابخشی بوده است. از این منظر خورشید با شفابخشی نیز رابطه داشته است و الهه-مادرهای سلتی با کیش خورشید پیوند داشتند. در تمدن سلت، خدایی را با چرخ خورشید و شاخ فراوانی نشان داده‌اند که نماد وفور برکت است. خورشید هم زندگی بخش و هم از میان‌برنده زندگی است. در این تمدن، خورشید-چرخ‌های کوچک در چشمه‌های شفابخش افکنده می‌شدند. (گرین، ۱۳۸۷، ۵۷ - ۵۳).

آفریقا

در اساطیر آفریقا موو یا مون^{۱۵} الهه ماه، با باروری، بهبودی و مجازات مرتبط است. در تمدن آفریقا خورشید، پسر و ماه، دختر آسمان است. در افسانه‌های متعلق به تمدن فون داهومی، خورشید پدر ستارگان و ماه مادرشان بود. ستارگان از گرما در عذاب بودند و دیگران را اذیت می‌کردند. روزی ماه به خورشید گفت آن‌ها را در توپ‌های بیاندازیم و در آب رها کنیم. وقتی خورشید قبول کرد ماه آن‌ها را به آسمان فرستاد. شن‌های سفیدی در آب ریخت و همه ستارگان به ماهی تبدیل شدند. وقتی خورشید بچه‌ها را از آب گرفت، مردند و او بسیار غمگین شد. از آن پس وقتی ماه می‌آید خورشید می‌رود و این‌گونه روز و شب معنی پیدا می‌کند. قبایل نیگارا نیز خورشید و ماه را زن و شوهر می‌دانند. آفریقاییان در مورد آفرینش خورشید و ماه بر این باورند که این دو پدیده آسمانی در زمین زندگی می‌کردند. یک روز دریا بهترین دوستشان به دیدن آن‌ها آمد و با خود ماهی، حیوانات خزنده دریایی و دیگر خویشاوندانش را آورد. دریا گل سرخی به آن‌ها داد و آن‌ها گل را در سقف قرار دادند. سرانجام گل فضای خانه و سقف را به‌طور کامل پوشاند و در نهایت خورشید و ماه مجبور شدند به آسمان پرواز کنند.

آمریکا

در میان قبایل آمریکا ایزدان خورشید و ماه از خدایان مهم آسمانی به‌شمار می‌روند. در این تمدن ایزد خورشید حامی شکارچیان بوده و ماه و خورشید، هر دو از اولین ساکنان زمین

گل نیلوفر را نماد بارداری می‌دانند. در این افسانه، مادر نی‌چیرن خواب می‌بیند که شبی خورشید درخشان در گل نیلوفری فرورفت و بدین‌سان نی‌چیرن در بطن مادر جان گرفت و مادر باردار شد (پیگوت، ۱۳۷۴، ۸۸).

یونان

یکی از کهن‌ترین سرزمین‌های مسکونی و متمدن جهان یونان است. آثار این تمدن به دهه‌های قبل از میلاد برمی‌گردد. تمدن قدیمی آن به تمدن مینوسی معروف است که مرکز آن جزیره کرت بود. در اساطیر یونان هلیوس ایزد خورشید است. آیین هلیوس در یونان پیشینه‌ای کهن دارد و در تمام نقاط این سرزمین محبوبیت بسیاری دارد. یونانیان می‌گفتند که تیتان‌ها، عموهای هلیوس، تندیس او را به اقیانوس انداخته‌اند و پیکر هلیوس به آسمان رفته و خورشید درخشان را پدید آورده است. بنا بر افسانه‌ای دیگر از اندیمیون و سلنه، ماه (سلنه) عاشق پادشاهی جوان به نام اندیمیون می‌شود و برای او دختران زیادی به دنیا می‌آورد. تفسیر ویژه‌ای از این داستان می‌گوید که سلنه، اندیمیون را به خوابی جاودانه می‌برد تا او را از مردن حفظ کند و زیبایی‌اش را برای همیشه جاودانه سازد. در اساطیر یونان با توجه به اینکه اساطیر در قالب خدایان انسان‌گونه شکل گرفته است، افسانه‌ها و اساطیر پیرامون خورشید و ماه معطوف به خدایان این دو عنصر آسمانی می‌شود و روایات اساطیری این تمدن، در باب خدایان خورشید و ماه و نقش‌های هریک از این خدایان در جهان هستی بوده است.

روم

سول اینویکتوس^{۱۶} یا خورشید شکست‌ناپذیر، ایزد خورشید در اساطیر روم بود. در قرن سوم میلادی آیین پرستش این ایزد توسط امپراطوری دین رسمی شد. ریشه سول اینویکتوس در واقع از ایزد میترا سرچشمه می‌گیرد که در ارتش روم محبوبیت یافته بود. بعد از آن نیز این ایزد همراهی خویش با میترا و اسرار آیین مهرپرستی را ادامه داد (باجلان فرخی، ۱۳۸۵، ۲۳۰). تمدن روم با یکی از مهم‌ترین آیین‌ها در مورد خورشید و ماه، یعنی آیین مهرپرستی، حضور خود را در عرصه اسطوره به نمایش می‌گذارد. مهرپرستی رومی شباهت‌ها و تفاوت‌های قابل توجهی با مهرپرستی ایرانی دارد. این تفاوت‌ها البته طبیعی است، زیرا انتقال آیین مهر به دنیای روم موجب گردید که در معرض نفوذ عقاید تازه‌ای قرار گیرد. یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های مهرپرستی رومی و آیین مهر ایرانی، این است که در مهرپرستی رومی تقریباً هیچ متنی وجود ندارد، بلکه صدها نقش برجسته در دست است، درحالی‌که در مورد مهرپرستی در ایران متن‌های بسیار موجود است. نشان دادن یک آیین، خصوصاً یک مفهوم انتزاعی، بر روی سنگ دشوار است و

^{۱۵} Mên

^{۱۶} Sul Invictus

بودند. مردم آمریکا ایزد خورشید را یکی از مظاهر ایتسامنا^{۱۶} به‌شمار می‌آورند که سرور روز نیز بوده است. اینتی^{۱۶} خدای خورشید اینکاها، مهم‌ترین خدای دوران طلایی این تمدن بود. در تمدن‌های یوکاتان و مایا، ایزدبانوی ماه را ایشچل می‌نامیدند که مظهر زایش و درمانگری به‌شمار می‌رفت. این ایزدبانو همسر ایتسامنا و حامی زنان بود و با دریاچه‌ها، چشمه‌ها و مخازن آب زیرزمینی قرابت داشت. ماه در این تمدن‌ها عناوینی همچون مادر ما، مادر مقدس، مادر بزرگ و معشوقه داشته است (حسینی، ۱۳۸۶، ۱۵۶-۱۶۰). اعتقاد به اینکه منشأ انسان‌ها از خورشید، کف دریاها و امواج است نیز از باورهای این قوم به‌حساب می‌آید. به باور مکزیکی‌ها ما در پنجمین خورشید زندگی می‌کنیم. چهار خورشید قبلی، خورشید ببر، باد، باران یا آتش و آب هستند. در هرم خدایان آزتک بزرگترین خدا، خدای خورشید، مظهر هوئیتوپاچتل، به شکل عقاب تصویر شده است، به‌گونه‌ای که در منقار خود ماری پر از ستاره حمل می‌کند. میان قبایل آمریکا، افسانه‌ها و اساطیری وجود دارد که خورشید را همسر ایزدبانوی ماه می‌دانند. مایاهای تسوتسیل خورشید را پسر ماه و مایاهای یوکاتان، تسلتال و کانهوبال، خسوف و کسوف را دعوی زن‌وشوهری بین خورشید و ماه می‌دانستند. به‌همین دلیل هنگام خسوف و کسوف، همه جا طبل می‌نواختند و فکر می‌کردند با ایجاد سر و صدا می‌توانند شرایط خورشید و ماه را به حالت همیشگی درآورند. در میان تمدن‌های آمریکا، خورشید و ماه این امکان را داشتند که از طریق آیین‌ها، شگون‌ها و حتی حضور پادشاهان، روحانیون، شمن‌ها^{۱۷}، شفابخشان و دوقلوها در هستی و زندگی روزمره دخالت کنند. از مهم‌ترین اسطوره‌های تمدن میشتک نیز اسطوره آفرینش و چگونگی پدیدآمدن اولین خورشید و خاستگاه آدم است. درمورد به‌وجود آمدن اولین خورشید روایت شده که در زمان‌های دور خورشید و ماه وجود نداشتند و مردم در تاریکی می‌زیستند، وقتی خورشید و ماه پدید آمدند، بلایای زیادی پدیدار گشت (حسینی، ۱۳۸۳، ۱۲۴-۱۲۱). سرخ‌پوستان تولتک افسانه‌ای در مورد چهار مرتبه پدید آمدن خورشید و از بین رفتن آن دارند؛ همچنین در مورد اینکه چگونه زمانی که خورشید نبود، دو ایزد خود را قربانی کردند تا خورشید پدیدار شود و انسان‌ها مجبور نباشند در تاریکی به سر ببرند. به‌طور کلی تأثیر عمیق حرکات خورشید، ستارگان، سیاره‌ها و سایر اجرام سماوی بر زندگی مردمان آمریکای لاتین (میانی) در

اسطوره‌های این تمدن بازتاب یافته است (همان: ۲۳۳-۲۳۲). به‌گونه‌ای که اینکاها بیش از هر چیز در پرستش ایزد خورشید اهتمام می‌ورزیدند و باور داشتند که خدایشان میان خورشید و زمین در رفت‌وآمد است. برای ایشان، قرص فروزان و زندگی‌بخش خورشید که هر بامداد تا شامگاه گرد زین‌اش را به همه جا می‌پاشد، بسیار مقدس و قابل احترام بود؛ به‌همین جهت برای آنکه به جایگاه خورشید پی ببرند، معابد محکمی می‌ساختند (حسینی، ۱۳۸۳، ۲۳۹). بنا بر افسانه دیگری، خورشید عاشق این است که بچه‌هایش را بخورد. بنابراین آن‌ها هر زمان که او ظاهر می‌شد از آسمان فرار می‌کردند و فقط هنگامی که خورشید خواب بود، ماه با ستارگان بازی می‌کرد؛ اما خورشید هر ماه صورتش را به جهت دیگری می‌چرخاند، به شکلی که تاریکی‌اش، مانند ماه ناقص می‌شد. خورشید به این شکل برای بچه‌هایش که موفق شده بود آن‌ها را به‌دست آورد، سوگواری می‌کرد. افسانه‌ای دیگر از این تمدن‌ها بر این باور است که در روزگاران قدیم بخشی از اسازها که در آسمان زندگی می‌کردند علاقه‌مند بودند که منشأ خلقت خود را بدانند. پس نزد خورشید رفتند و خورشید به آنان گفت که ایشان فرزندان او هستند. سپس آنان بیشتر حیرت کردند و نزد ماه رفتند. ماه به آن‌ها گفت که در واقع او آنان را زاییده و خورشید پدر ایشان است. قبیله ایراواکو نیز ماه و خورشید را زن و شوهر می‌دانند و ستارگان را فرزندان ماه و خورشید می‌دانند (حسینی، ۱۳۸۳، ۲۷۱).

نمادهای خورشید و ماه در تمدن‌های کهن

- نمادهای هندسی

گردونه مهر (سواستیکا)

این نماد برای اولین بار در هنر بین‌النهرین ظاهر می‌شود و نمادی از ایشتار و خدای خورشید میترا بوده است (هال، ۱۳۸۷، ۱۸۰). نماد خورشیدپرستی یا میترائیسم در اعتقاد آریاییان چلیپا یا همان گردونه مهر است که در بردارنده نیروهای آسمانی بوده است. پیشینیان هر شاخه از این علامت را جایگاه یکی از عناصر چهارگانه می‌دانستند که با چرخش خود، نظام طبیعت را حفظ می‌کنند (بختورتاش، ۱۳۷۱، ۳۲ و ۲۷). در مصر و هند باستان گردونه مهر نام دیگر نشانه آسیایی معروف به «سواستیکا» است (همان، ۱۰-۹). ریشه این کلمه مرکب است؛ شامل «سو» به معنی سودمند و «اس» به معنی حیات؛ واژه‌ای سانسکریت به معنی «هستی نیک». هندیان سواستیکا را نماد

روح خود به جهان‌های دیگر سفر کرده و با دیگر ارواح تماس می‌گیرند و پیوند میان جهان مادی و روحانی را برقرار می‌کنند، همچنین توان پیشگویی آینده و تشخیص بیماری و درد و رنج از طریق تماس با ارواح است.

Inti^{۱۶}: خدای مقدس اینکاها بود و اینک نشان و الگوی ملی اینکاها محسوب می‌شود. گرچه عموماً اینتی را یک خدای واحد به‌شمار می‌آورند، اما این خدا مجموعه‌ای از موقعیت‌های گوناگون خورشید است.

^{۱۷} شمن باوری از سنت‌های برخی اقوام بدوی در سراسر جهان است. جادوی پزشکی، شمن‌ها یعنی بزرگان یا روحانیان بر این باورند که با

زیگزاگ

هاشورهای متوالی که نشانه‌ای از پرتوی خورشید و اشعه‌های تابان آن است، در تمدن‌های مکزیک و آرتک بسیار دیده می‌شود (عبداللهیان، ۱۳۷۸، ۵۴).

- نمادهای گیاهی

نیلوفر (لوتوس) نیلوفر در تمدن بین‌النهرین در کنار ایزدان و ایزدبانوان، مظهر نیروی مولد و آفریننده به‌شمار می‌آمد و نماد پاک، صلح، تجسم زنانه و باروری بود. دکتر دادور (۱۳۸۵، ۱۰۴) معتقد است گل نیلوفر در اساطیر کهن همان گل ناهید بوده است و از آنجا که ناهید تصور اصلی مادینه هستی در روایات دینی بوده است، از جهاتی با اعتقادات هند باستان نیز مطابقت دارد. این گل را در تمدن‌های باستانی اصطلاحاً گل خورشید می‌گویند. در آیین‌های باستانی نیلوفر را متعلق به مهر و سمبل آفتاب و نیروی نگهدارنده زمین می‌دانند و دو جشن نیلوفر و تیرگان که در روز ششم از ماه تیر (خرداد امروزی) برگزار می‌شده است از جشن‌های باستانی مرتبط با گل نیلوفر است. متون ریگ‌ودا طلوع خورشید را همانند لوتوس قرمز از اقیانوس و آسمان می‌داند (همان، ۲۱۱-۲۱۰). یک الهه هندویی به نام پادماپانی وجود دارد که به معنی زنی است که نیلوفر در دست دارد. نیلوفر در اساطیر، فرهنگ و تمدن مصر نماد باروری، تولد دوباره، نیروی سلطنتی و علامت مشخص نیل علیا بوده است. از آنجا که گل نیلوفر در سپیده‌دم باز و هنگام غروب بسته می‌شود، در اساطیر و تمدن مصر به خورشید شباهت دارد. نیلوفر در فرهنگ و تمدن چین نیز نماد پاک، صلح، باروری و تجسم زنانه است و علامت تابستان (یکی از چهار فصل) و نشانه ای از خورشید است (دادور، ۱۳۸۵، ۲۱۱-۲۱۰).

سرو

در بین‌النهرین درخت سرو یا کاج نماد خورشید است، برخی تمدن‌ها نیز سرو را وابسته به ماه می‌دانستند (عبداللهیان، ۱۳۷۸، ۵۷-۶۱). گرامیداشت درخت سرو با گسترش آیین مهر در ایران باستان آغاز می‌شود. در آیین مهر، سرو درختی ویژه خورشید و زایش مهر است، از این رو در شب زایش مهر، سرو مهر را می‌آراستند، هدایایی در پیش پایش می‌نهادند و با خود پیمان می‌بستند که برای سال دیگر نیز سرو همیشه‌سبز دیگری بنشانند (هاشم رضی، ۱۳۸۳، ۴۷). با گسترش آیین مهر در ایران در اروپا نیز نماد سرو مهر نزد تمدن‌های کهن بسیار گرامی بود، چنان‌که برفراز سرو به نشانه خورشید یا مهر، ستاره‌ای زرین یا سرخ برمی‌افراشتند و شاخه‌های درخت سرو را با دو رشته زرین

نیک‌بختی می‌دانند. در آیین هندو، سواستیکا با خورشید و گانشا^{۱۸} خدای از میان‌برنده موانع و راه‌گشا پیوند دارد (دادور، ۱۳۸۵، ۲۲۶-۲۲۵). تمدن‌های چین و ژاپن مانند دیگر تمدن‌ها، سواستیکا را مظهر خوش‌اقبالی، باروری و نشانه‌ای از باران می‌دانند. نزد چینیان سواستیکای آبی مؤید فضایل و برکات آسمانی، سواستیکای قرمز نشان برکت قلب مقدس بود، سواستیکای سبز مظهر برکت در کشاورزی و سواستیکای زرد نماد سعادت است. در چین و ژاپن سواستیکای راست‌گردان معرف «یانگ» و چپ‌گردان معرف «یین» است (مفرد کهلان، جواد، نقش نیلوفر در فرهنگ قدیم ایران، www.Myth.tarikhema.ir). تمدن یونان و فرهنگ روم باستان سواستیکا را مظهر «هلیوس» (الهه خورشید) و خدایان «ژوپیترو» و «پلوویوس» می‌دانند (چلیپای شکسته، www.Mehrian.ir، ۱۳۸۹/۵/۲۵).

حلقه و دایره

در تمدن‌های کهن حلقه نمادی از خورشید است و پرتوهای خورشید به پره‌های چرخ‌شبه هستند که نمایانگر مبدأ هستی است و امروزه از کلمه چرخ برای آسمان و از ترکیب چرخ‌وفلک نیز به همین مفهوم استفاده می‌شود (دادور، ۱۳۸۵، ۱۲۴). حلقه در آیین میترائیسم نشان ویژه میتراست و از هاله نور خورشید الهام گرفته شده (رضی، ۱۳۷۱، ۳۹۱). در تمدن‌های کهن دایره نمادی از کائنات و خورشید است (گریشمن، ۱۳۷۰، ۲۶۹). در زمان ساسانی اصطلاحی ظاهر می‌شود به نام فر که به‌صورت نمادهایی دایره‌ای‌شکل که نمادی است برگرفته از صورت ظاهری خورشید، گردش آسمان و چرخ زمان (جعفری، ۱۳۸۱، ۱۴۹-۱۴۸). در میان اشکال هندسی دایره نشانه خورشید است (ثاقب‌فر، ۱۳۸۵، ۴۰-۳۷). نماد جهان و مظهر خورشید نزد بوداییان همان ماندالاست که در زبان سانسکریت به معنی دایره است (هال، ۱۳۸۷، ۲۰۵). چرخ یا چاکرا نیز در هند باستان نمادی وابسته به خورشید بوده است (دادور، ۱۳۸۵، ۲۷۱).

یین و یانگ

چینی‌ها جهان را متشکل از دو قطب متضاد می‌دانند. آن‌ها بین را نماد شب و تاریکی و یانگ را نماد روز و روشنایی می‌دانند. حرکت و چرخش یین و یانگ به سمت یکدیگر به‌معنای جانمایی شب و روز است. بنا بر باور چینیان، یانگ (معادل خورشید) مذکر و یین (معادل ماه)، مؤنث است. چینی‌ها معتقدند خورشید و ماه (یین و یانگ) هیچ‌گاه به یکدیگر نمی‌رسند و با آمدن یکی، دیگری می‌رود (هال، ۱۳۸۷، ۲۰۶).

^{۱۸} Ganeśa

و سیمین به نشانه خورشید و ماه می‌آراستند (بیرونی، ۱۳۸۸، ۳۳۸ و ۳۳۷).

– نمادهای جانوری

گاو نر

در تمدن ایران باستان شاخ گاو ماده، علامت رسالت عقل و نشانه خورشید و ماه بوده است. در آیین میتراپیسم، گاو که مظهر ماه و زمستان است به دست مهر که مظهر خورشید و تابستان است کشته می‌شود؛ در نتیجه نباتات متعدد می‌رویند. از طرفی رابطه گاو و مهر باوری است که همه تمدن‌ها به آن معتقد هستند (دادور، ۱۳۸۵، ۷۵). در اساطیر هندی گاو و ماه یکسان‌اند (دادور، ۱۳۸۵، ۱۸۹). در مصر باستان منور یا گاو نر نماد خدای خورشید بوده است. مصریان بر این باور بودند که خورشید هر روز صبح از ماده‌گاو آسمانی همچون نوزاد ایزدبانوی آسمان زاده می‌شود (ویو، ۱۳۸۴، ۱۸ – ۱۶). به گفته باجلان فرخی (۱۳۸۹، ۱۱۵) خورشید در یکی از اسطوره‌هایی که مربوط به دوره گله‌داری است، همچون گوساله‌ای است که هر بامداد از مادر زاده می‌شود و سرخی آسمان بامدادی ناشی از خون ماده گاو هنگام زاییدن است. این گوساله بزرگ می‌شود و هر غروب مادرش آن را می‌خورد و دوباره بامداد از مادر متولد می‌شود. به گفته ابوریحان بیرونی ایرانیان چنین می‌پنداشتند که گردونه ماه را گاو از نور می‌کشد که دو شاخ زرین و ده پای سیمین دارد.

شیر

از گذشته‌های دور، ایرانیان از خورشید که مظهر پیمان و نیرو است و شیر که فر و شکوه و سلطنت از اوست، برای خود پرچم و درفش داشته‌اند. در تمدن‌های خاور دور نیز شیر مظهر خورشید بوده است و در باورشان بلندترین جایگاه را داشته. به همین دلیل است که این دو کنار هم جای گرفته‌اند و احتمالاً به همین دلیل نیز میان برج اسد و خورشید رابطه‌ای نجومی برقرار است. این جانور تقریباً در تمام تمدن‌ها سمبل قدرت و سلطنت بوده است و قدرت او با خورشید برابری می‌کرده. بدون تردید شیر نماینده کامل خدای خورشید و پادشاه بوده است (دادور، ۱۳۸۵، ۷۶ و ۷۵). گریشمن (۱۳۷۱، ۳۳۸) علاوه بر اینکه شیر را نماد میترا، خورشید، تابستان، گرما، پیروزی، قدرت و نور می‌داند، آن را نماد آتش نیز معرفی می‌کند. شمش، خدای بابلیان را به صورت شیری تصویر می‌کنند که گاه بال‌دار بوده است.

سیمرغ

بنا به عقیده چینی‌ها، سیمرغ نر سمبل خورشید و سیمرغ ماده نماد ماه است و سیمرغ ماده که مانند رنگین‌کمان بوده است با آواز سیمرغ نر به جست‌وخیز می‌پردازد (سیمرغ در چین، www.iranjadid.com, ۱۳۹۹/۳/۱۲).

وزغ

یک اسطوره چینی در مورد الهه ماه با نام چانگ‌یا روایت می‌کند که چگونه پس از ربودن داروی جاوانگی معشوق خود، به وزغی تبدیل شده و سپس به ماه می‌رود. الهه ماه به جرم حرمت‌شکنی و سرقت، به وزغی زشت و البته نامیرا تبدیل می‌شود. از آن پس وزغ که حاصل دگردیسی ماه است، نمادی از ماه شد (بیبرل، ۱۳۸۴، ۶۶ و ۶۵).

خروس

در یک اسطوره کهن چینی، خورشید به شکل خروس زرینی است که هر روز آسمان را درمی‌نوردد و جهان را سرشار از نور می‌کند (باجلان فرخی، ۱۳۸۹، ۱۱۶).

بز کوهی

این حیوان ملی با شاخ‌هایی بزرگتر از حد معمول و درست شبیه هلال ماه بر بسیاری از سفالینه‌های ایران باستان ترسیم شده که گاهی فقط شاخ او نماد ماه است (صمدی، ۱۳۸۳، ۲۱). بز کوهی پس از فرمانروایی خورشید حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه ستاره چندپر که اصطلاحاً لوتوس نامیده می‌شود، در بین شاخ‌های این حیوان بر سفالینه‌ها ترسیم شده است (دادور، ۱۳۸۵، ۹۱). به گفته صمدی (۱۳۸۳، ۱۳) در ایران باستان مردم خورشید را همچون پدر هر جاننداری می‌پرستیدند. از آن پس بیشتر مظاهر ماه، از جمله جانوران شاخدار، از منسوبات خورشید شد و بیشتر خدایان وابسته به خورشید، صورت تغییر یافته خدایان ماه گردید.

– نمادهای طبیعی

آتش

واژه آتش صفت خدای آتش، آگنی^{۱۹} نامیده می‌شود. آتش مظهر نور و گرما و نماد زمینی خورشید است. برخی نیز آتش را به شکل آذرخی در آسمان دیده‌اند، از این رو آن را عطیه‌ای آسمانی پنداشته‌اند. در آیین مزدیسنا، زرتشت آتشی جاودانی با خود داشت و در جشن‌های سده و چهارشنبه‌سوری نیز اهمیت و جایگاه آتش به‌خوبی نمایان است (دادور، ۱۳۸۵، ۱۱۹). آتش در آیین مزدیسنا نماد زندگی و در عین حال نابودگر است و به دلیل پاکی و پاک‌کنندگی، درخشندگی، نیرومندی و فسادناپذیری در نظر زرتشتیان کامل‌ترین نشان خداوندی است که نمادی از خدای خورشید است (عبداللهیان، ۱۳۷۸، ۵۳). (ن.ک جدول شماره ۱)

نتیجه‌گیری

اسطوره‌ها از ارزش فرهنگی والایی برخوردارند و اساطیر هر قوم معرف تحول شکل زندگی، دگرگونی ساختارهای اجتماعی و

^{۱۹} Agni

تغییرات اندیشه مردمان آن تمدن است. از آنجا که خورشید و ماه نمایان‌ترین عناصر فرازمینی ساختار هستی‌اند، اساطیر و افسانه‌های بی‌شماری را به خود اختصاص داده‌اند و از روزگاران کهن تا به امروز تمدن‌ها در قالب آثار تجسمی و متون ادبی به این نگرش صورت نمادین بخشیده‌اند. با توجه به شاخص‌های مورد مطالعه، نتایج این پژوهش به شرح زیر است:

ایزدان و الهه‌های خورشید و ماه در تمدن‌های بین‌النهرین، ایران باستان، یونان، روم، چین، ژاپن، اقوام بومی آمریکا و آفریقا بر دیگر خدایان پیشی گرفته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. خدایان آتون، رع، آپولون، هلیوس، میترا و سوریا و دیگر خدایان خورشید و ماه در شرق و غرب با نمادها و نشانه‌های مشترک جلوه‌گر شده‌اند.

سلطه خدای خورشید بر دیگر خدایان سماوی در دوران مادرسالاری کمتر شده و خدای ماه مطرح شده است.

در تمدن‌های کهن، خورشید به صورت خدا - ایزد و مذکر و ماه به صورت ایزدبانو و مؤنث بوده است و تمدن‌ها به طور مشترک خورشید را مظهر باروری، آفرینش، شفابخشی، پاکی، صلح و عدالت و پدر و ماه را مظهر زیبایی، روشنی و نمونه علو و والایی می‌دانند و زیبایی زنان را به ماه نسبت داده‌اند. معمولاً ماه و زمین، نماد مادر و مادینگی‌اند و خورشید و آسمان، نماد پدر بوده است.

برخی از نمادهای خورشید و ماه از جمله سواستیکا، گردونه مهر، چرخ یا دایره، شیر، گاو بالدار، آتش و ... در تمدن‌های کهن مشترک بوده است و تنها این نکته یادآور می‌شود که توجه به نمادهای گیاهی و جانوری برای بازنمایی خورشید و ماه بیشتر بوده و در تمدن‌های خاور دور، بازنمایی و تصویرگری‌های نمادین از خورشید و ماه نسبت به تمدن‌های غرب بیشتر بوده است. در باب آیین‌ها و جشن‌های مرتبط با خورشید و ماه می‌توان به آیین مهرپرستی و جشن مهرگان، جشن‌های سده، چهارشنبه سوری، نوروز و ... اشاره کرد. افسانه مشترک میان تمدن‌های مورد مطالعه، عاشق و معشوق بودن ماه و خورشید است که تأکیدی دارد بر شب و روز، تغییرات زمانی و خسوف و کسوف.

جدول شماره ۱. نمادها و نشانه‌های تصویری خورشید و ماه در تمدن‌های کهن، مأخذ: (نویسندگان)

آمریکا	آفریقا	یونان روم سلت	چین ژاپن	هند	مصر	ایران باستان	بین‌النهرین	تمدن نماد
								نمادهای هندسی
سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	
گردونه مهر	سواستیکا	چرخ، حلقه	سواستیکا	حلقه، دایره		حلقه، دایره	سواستیکا	
گردونه مهر		گردونه مهر	بین‌ویانگ	حلقه، ماندالا		گردونه مهر	گردونه مهر	
								نمادهای جانوری
مرغ مگس- خوار	ازدها	سیمرغ	سیمرغ	سیمرغ	لک‌لک	بزکوهی	سیمرغ	
خرگوش		خرگوش	ازدها	گاو نر	گاو نر	شیربالدار	گاو نر	
کرکس			خروس		باز، شاهین	گاو بالدار	قوچ	
								نمادهای گیاهی
لوتوس		لوتوس		لوتوس	لوتوس	لوتوس	سرو	
								نمادهای طبیعی و ...
زیگزاگ	خورشید و ماه				خورشید و ماه	آتش	خورشید	

جدول شماره ۲. مطالعه تطبیقی نمادهای آیین‌ها، اساطیر و افسانه‌های خورشید و ماه در تمدنهای کهن (مأخذ: نویسندگان)

نمندی	گیاهی		جانوری		هندسی		طبیعی		خدا - ایزدانو		آیین‌ها و جشن‌ها	اسطوره و افسانه	نیروی درونی و ویژگی‌ها
	خورشید	ماه	خورشید	ماه	خورشید	ماه	خورشید	ماه	خورشید	ماه			
ایران باستان	سرو	سرو	برکوهی گاو بالدار شیر	گاو نر	دایره (حلقه) گردونه مهر	چلیپا	آتش	آتش	آناهیتا	مهرگان نوروز شب یلدا چهارشنبه‌سوری	خسوف و کسوف سگند به خورشید و ماه خلقت منسبه و مشابه	باروری و رشد گیاهان حافظه نظمه ستوران باکرگی	
بین‌النهرین	لوتوس، قزم سرو	سرو	گاو نر شیربالدار	گاو نر	گردونه مهر	سواستیکا	سروش	سین	چشم نیلوفر چشم تیرگان	گذشت فصول	دعاهای سرودهای گایاری	داوری عدالت افرینش روشنگری	
هند	نیلوفر	سوما	گاو نر شیربالدار	گاو نر پارشکاری شاهین	چرخ دارما ماندالا	سوربا شمو گانش سوربا	چندره سومه	توت عا خو هارپاس	میتراکسیم	جشن‌های سه‌گانه قربانی‌کردن برای خورشید و ماه	دعاهای سرودهای گایاری	از میان برنده مولع و کارگشا نشانه موفقیت و ثروت	
مصر	لوتوس	لوتوس	گاو نر پارشکاری شاهین	وزغ سمیغ خروس	سواستیکا	سواستیکا	آب نتره	آب آتش	ایزدبانو چانگای	آفرینش ده خورشید و ده ماه	خسوف و کسوف	باروری سلطنت	
چین	لوتوس	لوتوس	وزغ سمیغ خروس	وزغ سمیغ خروس	سواستیکا	سواستیکا	آب آتش	آب آتش	ایزدبانو چانگای	جشن‌های سه‌گانه قربانی‌کردن برای خورشید و ماه	خسوف و کسوف	باروری سلطنت	
ژاپن	لوتوس	لوتوس	خرگوش صحرائی	خرگوش صحرائی	سواستیکا	سواستیکا	آب آتش	آب آتش	ایزدبانو چانگای	افسانه نی‌چی‌رن	خسوف و کسوف	باروری سلطنت	
یونان، روم، سلت	سواستیکا	سواستیکا	دایره چرخ سواستیکا	گاو نر	دایره چرخ سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	ایزدبانو سلنه لوگ استارته	آیین هلیوس	خسوف و کسوف	باروری شفابخشی ترویج فراوانی	
آفریقا	سواستیکا	سواستیکا	دایره چرخ سواستیکا	گاو نر	دایره چرخ سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	ایزدبانو سلنه لوگ استارته	مهرپرستی	خسوف و کسوف	باروری شفابخشی ترویج فراوانی	
آمریکا	سواستیکا	سواستیکا	دایره چرخ سواستیکا	گاو نر	دایره چرخ سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	سواستیکا	ایزدبانو سلنه لوگ استارته	مهرپرستی	خسوف و کسوف	باروری شفابخشی ترویج فراوانی	

ضمایم تصویری

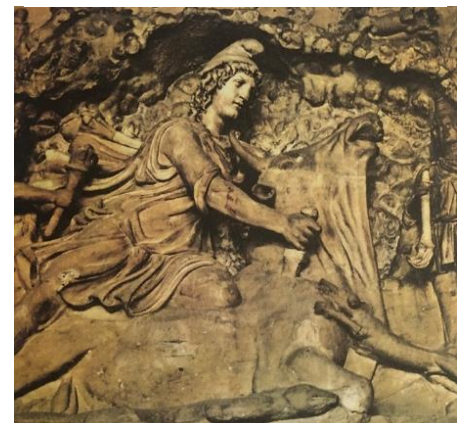
تصویر ۱. شمش خدای خورشید بین النهرین.
 مأخذ: (معصومی، ۱۳۸۷، ۲۵۲)



تصویر ۲. پرستش خورشید و ماه در بابل،
 مأخذ: (معصومی، ۱۳۸۷، ۲۵۳)



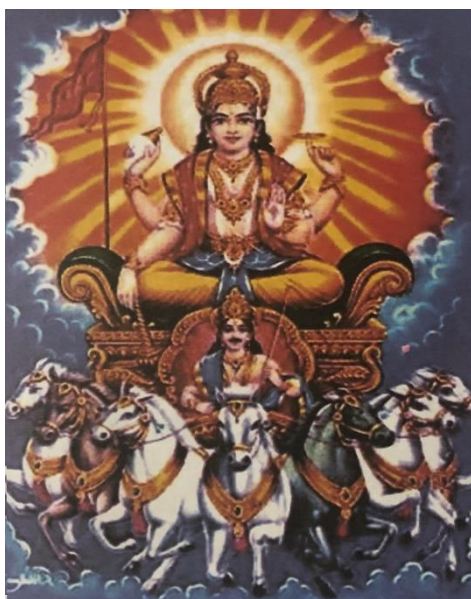
تصویر ۳. میترا خدای خورشید در ایران باستان.
 مأخذ: (معصومی، ۱۳۸۷، ۲۹۴)



تصویر ۴. آمنحوتپ چهارم و خدای آتون در حال پرستش خورشید،

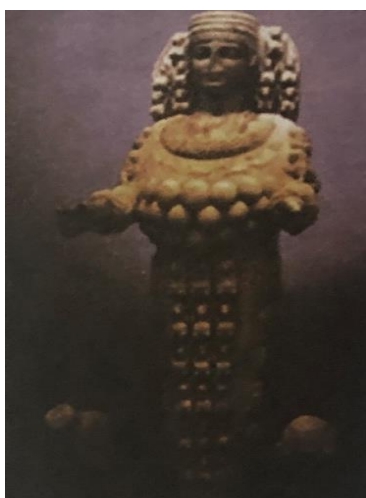
مأخذ:

<https://sites.google.com/site/marisworld192/sh-esavali/history/udzvelesi-msoplio-musikaluri-kultura/dzveli-gviptisa-da-shuamdinaretis-era-musikaluri-kultu>



تصویر ۵. سوریا خدای خورشید در هند باستان.

مأخذ: <https://www.art-prints-on-demand.com>



تصویر ۸. آرتمیس، ایزدبانوی ماه و شکار در یونان باستان.
مأخذ: (معصومی، ۱۳۸۷، ۲۵۴)



تصویر ۶. آماتراسو خدای خورشید در ژاپن.
مأخذ: (www.keneski.com)



تصویر ۹. هلیوس خدای خورشید سوار بر چهار اسب. مأخذ:
<https://umnik.net/questions/۳۹۴۳۵-kak-zvali-syna-boga-geliosa-kotoryi-ne-spravilsya-s-upravleniem-kolesnicei-otca>



تصویر ۷. نقش برجسته حجاری شده، نبرد میترا ایزد ایرانی با سول اینویکتوس خدای خورشید در روم باستان، لونا خدای ماه نیز در بالای تصویر دیده می‌شود.



تصویر ۱۲. خدای خورشید در تمدن ازتک، خورشید عقاب یا مرغ مگس خوار، اویتسیلوپوچتلی، طرحی در مستندات تلریانو رمنسیس.
 مأخذ: <http://religion-of-the-incas/>
 (/toltecatoyotl.org/tolteca/?id=۱۶۹۴۷)



تصویر ۱۰. استارته، ایزدبانوی ماه در فنیقیه، در حال پرستش ماه و خورشید.
 مأخذ: (معصومی، ۱۳۸۷، ۲۵۴)



تصویر ۱۳. نماد شمش، سین و ایستر
 مأخذ: (Seekecho.com)



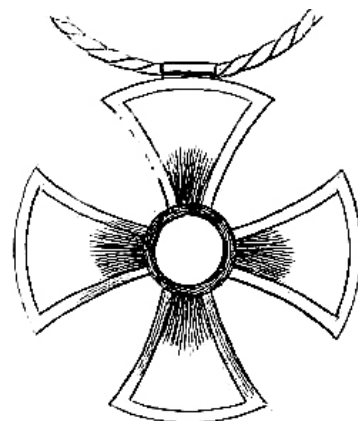
تصویر ۱۱. آپولو، خدای خورشید در یونان باستان،
 مأخذ: (میتفورد، بروس، ترجمه انصاری و بشیرپور،
 ۱۳۹۶: ۱۷).



تصویر ۱۴. ویراکوچا، خدای خورشید. مأخذ:
<https://www.journeymachupicchu.com>



تصویر ۱۶. نماد ستاره چهار پر و دایره
مأخذ: en.wikipedia.org



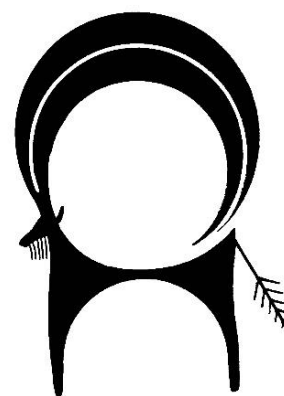
تصویر ۱۵. نماد صلیب آشوری
مأخذ: www.gutenberg.org



تصویر ۱۷. نقش شیر، ساسانی
مأخذ: www.mehremihan.com



تصویر ۱۸. قرص خورشید بالدار آشور
مأخذ: www.betdavvid.com



تصویر ۱۹. نقش بزکوهی، ایران باستان
مأخذ: www.mag.eshomer.com

- اسماعیل پور، ابوالقاسم (۱۳۸۸)، **اسطوره بیان نمادین**؛ تهران: سروش.
- ال، آنا - پیکولا، دالا (۱۳۸۵)، **اسطوره‌های هندی**. ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- دوست‌خواه، جلیل (۱۳۷۹)، **اوستا (کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی)**؛ تهران: مروارید.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۵)، **اساطیر مصر**. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- باجلان فرخی، محمدحسین (۱۳۸۹)، **در قلمرو انسان شناسی**؛ تهران: افکار.
- بختورتاش، نصرت‌الله (۱۳۷۱)، **گردونه خورشید یا گردونه مهر**؛ چاپ اول. تهران: فروهر.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۶)، **پژوهشی در اساطیر ایران**؛ تهران: آگاه.
- بیرل، آن (۱۳۸۴)، **اسطوره‌های چینی**، ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۸)، **آثارالباقیه**، ترجمه اکبر دانا سرشت. تهران: امیرکبیر.
- پیگوت، ژولیت (۱۳۸۴)، **اساطیر ژاپن**، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: گلشن.
- ثاقب‌فر، مرتضی (۱۳۸۵)، **دین مهر در جهان باستان**؛ تهران: توس.
- دادور، ابوالقاسم - منصور، الهام (۱۳۸۵)، **درآمدی بر اسطوره و نمادهای ایران و هند در عهد باستان**؛ تهران: دانشگاه الزهرا.
- ذکری، امیرحسین (۱۳۷۷)، **اساطیر هند، خدایان ودایی**؛ تهران: فکر روز.
- ذکری، امیرحسین (۱۳۷۸)، **«تحوّل شمایل‌نگاری بودائی در امتداد جاده ابریشم»**، هنرنامه. پائیز. سال اول. شماره ۲.
- رضی، هاشم (۱۳۷۱)، **آیین مهر (میتراثیسم)**. چاپ اول. تهران: چشمه.
- عبداللّه‌یان، بهناز (۱۳۷۸)، **«مفاهیم و نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ»**، هنرنامه. دانشگاه هنر. سال اول. شماره ۲.
- کوچیکی (کتاب مقدس آیین شینتو در ژاپن)، (۱۳۸۰)، ترجمه احسان مقدّس، چاپ اول، تهران: نیروانا.
- گرین، میرانداجین (۱۳۸۷)، **اسطوره‌های سلتی**، ترجمه عباس مخبر. تهران: مرکز.
- گریشمن، رومان (۱۳۷۰)، **هنر ایران در دوره پارتی و ساسانی**، ترجمه بهرام فره‌وشی، چاپ دوم، تهران: علمی و فرهنگی.
- معصومی، غلامرضا (۱۳۸۷)، **مقدمه‌ای بر اساطیر و آیین‌های باستانی جهان**؛ تهران: سوره مهر.
- میتفورد، میراندا بروس (۱۳۹۶)، **دایره المعارف مصور نمادها و نشانه‌ها**؛ تهران: سایان.
- هارت، جرج (۱۳۷۴)، **اسطوره‌های مصر**، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز.
- هال، جیمز (۱۳۸۷)، **فرهنگ نگاره‌ای نمادها در هنر شرق و غرب**، ترجمه رقیه بهزادی، تهران: فرهنگ معاصر.
- همیلتون، ادیت (۱۳۸۳)، **سیری در اساطیر یونان و رم**، ترجمه عبدالحسین شریفیان، تهران: اساطیر.
- هینلز، جان (۱۳۸۶)، **شناخت اساطیر ایران**، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی. چاپ دوازدهم. تهران: چشمه.
- ویو، ژ (۱۳۸۴)، **اساطیر مصر**، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: کاروان.
- URL ۱: www.Myth.tarikhema.ir (accesse date: ۲۰۲۰/۴/۱۸).
- URL ۲: www.iranjadid.com (accesse date: ۲۰۱۰/۵/۲).
- URL ۳: www. Myth.tarikhema.ir (accesse date: ۲۰۲۰/۴/۵).

Myths and legends of the sun and moon in ancient civilizations With a comparative approach to symbols and related concepts

Abstract

Myth and symbol have a common origin since the beginning of human civilizations and primitive man has expressed his relationship with the world through myth and symbolism. Therefore, thinking about myths and their symbolic nature is one of the most important human questions that has continued to be considered in ancient and modern times. Myth and its aspects are considered as the backbone and cultural and historical heritage of any civilization and have been the answer to the most complex human questions for many years. Scholars and historians initially thought of myth as a false myth and did not care about it, but since the ۱۹th century, myth has been a form of fiction. Since understanding the structure of the universe, especially its most prominent extra-terrestrial elements, namely the sun and the moon, has been the source of many myths and legends, the myth of creation and the place of the moon and sun among civilizations is central and prominent, and each civilization views these elements and concepts Has given a symbolic face.

The main issue of this research is to answer questions such as what was the role of the moon and the sun in the myths and religious beliefs of ancient civilizations? How are the sun and the moon depicted in the myths of the ancient civilizations (God-goddess)? What are the visual signs in the symbolic representations of these two extra-terrestrial elements in each civilization?

A comparative study of the commonalities and differences between the myths and symbols of each civilization is the main purpose of this research. The research method is descriptive-analytical and this research is a case study based on the study of library documents to investigate the above issue. The result of the research acknowledges that many myths and rituals refer to such things as cosmic phenomena, goddesses and gods of the moon and sun, and various signs such as swastika and lotus flower or lotus, seal wheel, etc. have been common signs in all civilizations. The existence of common cultural signs, symbols and beliefs in any civilization indicates a close link between art and the beliefs of ancient civilizations.

Keywords: Symbol, myth, legend, sun, moon, civilization.